اسدالله عسگراولادی به روایت خودش:

در بازار پسته سرنوشت ساز نبودم، اما در ستادها و نهادهایی که برای پسته ایران تصمیم‌گیری می‌کردند دخالت و حضور داشتم

اولین دبیرکل انجمن پسته ایران، مجتبی خسروتاج در اسفندماه ۱۳۸۷، یعنی همان سال اول انتشار مجله انجمن، مطلبی تحت عنوان «فراز و فرودهای پسته ایران از زبان اسدالله عسگراولادی» در دوهفته نامهٔ شماره ٤ منتشر کرده‌است. در گفت‌وگوی منتشر شده، عسگراولادی خودش را معرفی می‌کند و از فعالیت‌هایش در زمینه تجارت پسته می‌گوید. در ادامه، این گفت‌وگوی خواندنی عیناً آورده شده‌است.



یکی از دوستان نقل قول می‌کرد در جایی گفته‌اید که شما بازار پسته را شکل داده‌اید؟

من به هیچ‌وجه چنین حرفی نزده‌ام، هرگز در شکل دادن بازار پستهٔ داخل و خارج دخالت نداشته‌ام، بلکه گفته‌ام در کنفرانس‌های بین‌المللی برای پسته ایران زحمت کشیده‌ام؛ این حرف را زده‌ام؛ در کنفرانس‌ها، نه در بازارها. یک کنفرانس بین‌المللی نات است، شما می‌دانید، پسته ایران آنجا حضور نداشت. من با فشاری که آوردم پسته را آنجا حضور دادم، کرسی برایش گذاشتیم، کرسی را هم به تعاونی رفسنجان دادیم. گفتم آنها بیشتر از من صادر می‌کنند، انصافاً. با انتخاباتی که در سه دوره شد، نماینده ایران عضو هیئت مدیره شد، نماینده شرکت تعاونی پسته رفسنجان، آقای معاون. آقای معاون هم برای این که در هیئت اجرایی بشود زحمت کشیدیم، شکل ندادم، فقط در آن کنفرانس و در کنفرانس‌های بعدی. برای حضور پسته ایران در کنفرانس بین‌المللی زحمت کشیدیم. در بیشتر جلسات مربوط به «آفلاتوکسین» هم حضور پیدا کردم. در سفر ژاپن با آقای مهندس مجتبی خسروتاج بودم. در کنفرانس نات، هر ساله شرکت و از پسته ایران دفاع کرده‌ام.

برای پسته ایران سه بار به بروکسل رفتم، تمام هزینه‌ها را دادم. اصلاً از کسی هزینه نگرفتم، وقتی آلمان ورود پسته را بست، آقای موسوی سفیر ما بود. هیئت را بردم آلمان، پسته را باز کردیم. اینها را کمک کردم. زیاد زحمت کشیدم، اما هرگز در بازار عامل اصلی من نبودم. من نفر چهارم، پنجم بودم. همیشه هم همین‌طور بوده.

پسته را آقای مرشد قبل از انقلاب شکل داد؛ جواد مرشد. به او باید مدیون باشید، انصافاً. زمانی که آقای مرشد بازار پسته را شکل داد، سطح صادرات من به ۱۰۰ تن نمی‌رسید. اما از همان زمان از همین آقای مرشد- جواد مرشد- تعلیم دیدم. دو، سه بار رفتم نشستم. پدر آقای مهدی آگاه، مرحوم حاج غلامرضا آگاه است، من دو سه بار با حاج غلامرضا آگاه ملاقات نمودم. دفترشان سرای امید بود، من هم سرای امید بودم. من از اینها تعلیم گرفتم و آموختم. هرگز در بازار پسته سرنوشت ساز نبودم. اما در ستادها و نهادهایی که برای پسته ایران تصمیم‌گیری می‌کردند، در دنیا و در ایران، نظیر آفلاتوکسین و نظیر کنفرانس‌های بازار مشترک دخالت و حضور داشتم. در ستاد پسته وزارت جهاد حضور فعال داشتم. در تأسیس انجمن زحمت زیادی کشیدم. در اتحادیه خشکبار خدمات زیادی انجام دادم. وقتی نایب رئیس اتحادیه بودم، مسائل پسته را از طرف اتاق ایران به اتاق کرمان واگذار نمودم.

در مورد حضور ایران در اجلاس کُدکس حداقل ۲۰ بار با دکتر «کالگانی» رئیس کمیسیون بازار مشترک در رشته خشکبار، به هزینه شخصی تلفن‌های طولانی ٤٠، ۵۰ دقیقه‌ای زده و گفت‌وگو کرده‌ام. نتیجه این تماس‌ها و پی‌گیری‌های مستمر،

منجر به پذیرش نظریات نمایندگان وزارت جهاد، وزارت بهداشت و نماینده اتحادیه صادرکنندگان خشکبار ایران در اجلاس شده‌است. بخشی از هزینه‌های حضور نمایندگان ایران را هم اتحادیه صادرکنندگان خشکبار ایران پرداخت کرده‌است.

اولین بار در چه سالی صادرات داشتید؟

در ۱۳۳۹ یا ۱۳۳۸، اولین صادرات پسته را داریم. زیره را در سال ۱۳۳۶. صادرات شرکت حساس در زیره از سال ۱۳۳۶ است و بعد کشمش در ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ است. پسته ۱۳۳۹ است. پسته سومین قلم صادراتی شرکت حساس در آن سال‌ها بود.

بالاترین رقم صادراتی‌تان کی بوده؟

بین سال‌های ۸۴، ۸۵، ۸۶.

چقدر بوده؟

۱۵ هزار تن، بالاترین رقمی است که در یک‌سال صادر کردم. حالا دقیقاً نمی‌دانم، ولی از ۱۵ هزار تن بیشتر بود و از ۱۶ هزار تن کمتر بوده‌است. یک سال ما فقط این توفیق را پیدا کردیم. بعد روی مرز ۱۰ هزار تن، ۹ هزار تن، ۸ هزار تن قرار داشته‌است. صادرات در مرز ۸ هزار تن تا ۱۰ هزار تن متغیر بود. یک سال خیلی کوشش کردم. سه بار صادرکننده نمونه شدم و سه بار هم فرزندم امیرعلی صادرکننده نمونه شده‌است.

به غیر از پسته و زیره دیگر در چه زمینه‌ای فعالیت می‌کنید؟

در کشمش و خرما. به جز خشکبار کار دیگر نمی‌کنم.

تناژ زیره چقدر است؟

تناژ بالا ۵۰ هزار تن بوده، ۶۰ هزار تن بوده، امسال ۶ هزار تن شده، امسال خیلی پایین آمده. صادرات آن هم به ۵ هزار تن نمی‌رسد، تولیدش ۶ هزار تن است و خیلی کم است. ما پیک (حداکثر) ۶۰ هزار و ۵۰ هزار تن را داشتیم. کشمش هم همین مصیبت را دارد. ما پیک ۱۴۰ هزار، ۱۵۰هزار تن را در کشمش داشتیم و امسال پیک ۶۰-۷۰ هزار تن است. آن هم تقریباً ۶۰ درصد داریم، ۴۰ درصد نداریم.

اتحادیه چند سال است شکل گرفته؟

قدیمی‌ترین اتحادیه‌ها، اتحادیه خشکبار و فرش هستند که با هم شکل گرفتند، تقریباً سال ۱۳۳۸ بود، تقریباً ۵۰ سال پیش.

شما در تشکیل اتحادیه نقش داشتید؟

نه، نقش نداشتم.

کی وارد اتحادیه شدید؟

۱۳۴۴-۱۳۴۵

قبل از انقلاب شما عضو اتحادیه شدید؟

بله، عضو هیئت مدیره‌اش بودم. آقای مرتضی صادقی من را به اتحادیه برد. آقای مرشد رئیس اتحادیه بود. آقای مرشد که گفتم برای اتحادیه خیلی زحمت کشیدند، قبل از ایشان آقای ملک‌نیا رئیس اتحادیه بود. اتحادیه از سال ۳۸ و ۳۹ شکل گرفت ولی افرادی که بودند، مثلاً: مرحوم آقایان احمد قاسمیه بود، مختار طسوجی، حسین محمدی، احمد مهدویه، بابا مهدی زاده، حشمت الله نیایش، اصغر قدس، اصغر افشارنیا، خیلی زحمت کشیدند. من در سال ۱۳۴۴ عضو شدم. از ۳۹ در صادرات خشکبار بودم، قبلش در زیره بودم. سال ۳۸، ۳۹ که شروع کردم، دیدند من جوانی هستم در میدان رقابت. ناچارند که مرا بپذیرند. آقای صادقی من را به اتحادیه برد. توی خیابان بوذرجمهری ساختمان بانک سپه بود، ساختمانی دارد بالای بازار آهنگران. من بعد از انقلاب اتحادیه را بردم به محل اتاق بازرگانی. برای اتحادیه در طبقه چهارم اتاق بازرگانی یک اتاق بزرگ گرفتم، تا چند سال پیش که بالاخره با یک فرمول خوبی برای اتحادیه یک محلی خریدیم. بعد از انقلاب، چند سال آقای صادقی رئیس اتحادیه بود. بعد آقای محمدحسن شمس فرد چهارمین یا پنجمین رئیس اتحادیه شد.

در ۱۳۳۹ یا ۱۳۳۸، اولین صادرات پسته را داریم. زیره را در سال ۱۳۳۶. صادرات شرکت حساس در زیره از سال ۱۳۳۶ است و بعد کشمش در ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ است. پسته ۱۳۳۹ است. پسته سومین قلم صادراتی شرکت حساس در آن سال‌ها بود.

این را هم برای شما بگویم که در آمارهای صادراتی قبل از انقلاب، سه کالا همیشه در رقابت با یکدیگر بازی کردند: خشکبار بود، پنبه بود، فرش بود. یک سال پنبه جلو می‌زد که به خاطر مرحوم حسین علاقه‌بند بود، او خیلی برایش زحمت کشید. گاهی فرش، گاهی خشکبار. این سه کالا همیشه بالا ایستاده بودند. ۸۰-۷۰ درصد صادرات بین همین سه کالا بود. مثلاً پوست و سالامبور در درجه بعد بودند، بقیه مختصر بودند. خشکبار و پنبه و فرش بود که حرف اول را در قبل از انقلاب می‌زد.